



# عقل سلیم یا خرد جمعی:

## ادراک پذیرفته شده همگانی

اخیراً معلمان ریاضی، با رویکرد جدیدی در تولید منابع آموزشی ریاضی با عنوان «خرد جمعی» آشنا شده‌اند که ظاهراً منظور از این رویکرد، مشارکت در تولید یک اثر است. از این منظر، مناسبی است تا کمی جدی‌تر، به معنا و مفهوم «خرد جمعی» بپردازیم.

به گفته هاوسون (۱۳۸۶)، «خرد جمعی» یا «عقل سلیم»، به معنای «درک متوسط، احساس خوب یا هوش و فراست عملی، نظر یک جمع و ادراک و احساس پذیرفته شده همگانی نوع بشر» است (به نقل از فرهنگ لغت قرن بیستم چمبرز). وی با این تعبیر، به بررسی نقش و جایگاه این واژه ترکیبی در ادبیات آموزش ریاضی پرداخته است که هدف این نوشته نیست. ولی به دلیل طرح این اصطلاح در بین معلمان محترم ریاضی و گفت‌وگوهایی که در این زمینه جریان دارد، مناسب است که اندکی به این رویکرد - تنها در حد طرح مسئله - پرداخته شود.

«خرد جمعی»<sup>۱</sup> یا «عقل سلیم»، به عنوان درک و حسی مشترک بین افراد در نظر گرفته می‌شود که بدون توضیح هم - مانند اثبات‌های بدون کلام در ریاضی - بدون مجادله قابل فهم است. تنها وقتی که همان افراد، با چالش جدی در رابطه با آن درک و حس روبرو شوند، مسئله جدیدی طرح می‌شود که معمولاً، کارهای اصیل علمی، از این نقطه شروع می‌شود. یعنی از زمان زیر سؤال بردن چیزی که به نظر می‌رسد درست است، اما با شک کردن و تحقیق نمودن، شواهد مطمئن و منطقی برای پذیرش همان درک همگانی یا رد آن، به دست می‌آید. پس از این مرحله، یا جامعه دچار ضربه ناشی از نادرستی چیزی می‌شود که آن را همیشه درست انگاشته بوده است، یا آن که به اطمینان می‌رسد که «خرد جمعی» با «خرد ناب» یکی شده‌اند که از جمله شاخص‌ترین مثال‌های تاریخ علم، گالیله و اینشتین هستند.

در هر صورت، چیزی که دارای اهمیت زیاد و توجه بسیار است، تفاوت این واژه با بحث‌های اخیر در حوزه‌های مختلف یادگیری، مدیریت، کارآفرینی و نظایر این‌هاست. مثلاً، از جمله مهارت‌هایی که در این حوزه‌ها بر آن‌ها تأکید می‌شود، توانایی «کار گروهی»<sup>۲</sup>، «کار مشارکتی»<sup>۳</sup> و «کار تیمی»<sup>۴</sup> است که هر یک - هم در معنا و هم در کارکرد - با هم تفاوت ماهوی دارند. با این حال، ممکن است که در جستجوی لغوی در بسیاری از فرهنگ‌لغات، با حذف واژه «کار»، از هر سه به عنوان معادل‌های هم استفاده شده باشد. در حقیقت، در حوزه علوم انسانی که آموزش و به طور عام تعلیم و تربیت بخشی از آن است، محققان این حوزه، مجازند که تحت شرایط و ضوابطی، ترکیب‌های جدید بسازند. اما مسئول‌اند که توضیح دهند منظورشان از این ترکیب‌ها چیست تا خواننده، بتواند همان معنایی را که تأمین‌کننده نظر آن‌هاست، درک کند. بدین سبب در علوم انسانی، لازم است برای «واژگان» مورد استفاده، «تعریف عملیاتی» ارائه شود تا نویسنده و خواننده، برداشت یکسانی از واژه‌ها داشته باشند.

برای مشخص تر کردن این موضوع، می‌توان سه ترکیب بالا را در نظر گرفت و با گشتن در موتور جستجوی مورد اطمینان خود، به مصداق‌های آن‌ها در انواع حوزه‌های آموزشی توجه نمود. برای مثال، «کار گروهی»، «کار مشارکتی» و «کار تیمی»، هر یک به معنای مهارتی ویژه است که با دیگری تفاوت دارد. به‌خصوص «با هم کار کردن»، انواع گوناگونی دارد که آشنایی با تفاوت‌های ظریفی که بینشان وجود دارد، تسهیل‌کننده چگونگی استفاده از هر یک است. مثلاً همکاری در کار گروهی، به معنای مشارکت در یک عمل-حضور یا غیرحضور است و نکته مهم این است که همه افراد، به سمت هدفی مشترک، با هم کار می‌کنند. در حالی که منظور از مشارکت یا «تشریک مساعی»، به خود عمل برمی‌گردد و به معنای «عمل کار کردن با دیگران برای تولید یا خلق چیزی» است. بالاخره کار تیمی، به معنای کار دسته‌جمعی و «عمل تجمیع‌شده» گروهی از افراد است تا محصول نهایی، مؤثر و کارآمد شود. در فرهنگ لغت وبستر آمده است که کار تیمی، یک عمل مشترک توسط گروهی از مردم است که هر کدام، از علاقه‌ها و طرز تلقی‌های شخصی خود، به نفع اتحاد و کارآیی گروه، می‌گذرند. منظور این نیست که دیگر، افراد اهمیتی در گروه ندارند، بلکه به این معناست که موفقیت جمع بر موفقیت فرد ارجحیت دارد و مؤثرترین محصول کار تیمی وقتی تولید می‌شود که تمام افراد به‌طور هماهنگ، در مسیر تحقق یک هدف مشترک با یکدیگر، مشارکت کنند.

طرح این موضوع در حوزه آموزش از این جهت مهم است که با معنای واقعی اصطلاحات استفاده شده به خوبی آشنا شویم و هر کدام را در جای مناسب خود به کار ببریم و مراقب باشیم که شکل ظاهری واژه‌ها با معنای عملیاتی‌شان، می‌تواند متفاوت باشد. در واقع، همان‌طور که هاوسون (۱۹۸۶) هشدار داده است، خرد جمعی یا عقل سلیم، ریشه در فرهنگ دارد و شناخت باورهای افراد و موقعیتی که در آن به چنین خردی اتکا می‌شود، یک ضرورت است. کار گروهی اغلب تقسیم کار و دادن دستور کار به دیگران و در نهایت، جمع کردن همه آن‌ها در چند جلسه هماهنگی است. اما کار تیمی و چیزی که خرد جمعی یا عقل سلیم از آن استنباط می‌کند و علوم انسانی هم مؤید آن است، تشریک مساعی افراد تیم باهم، استفاده از تمام استعدادها و تجربه‌هایشان، برای موفقیت جمع است. در نتیجه، محصول تولید شده توسط چنین تیمی، یک کل واحد، هماهنگ و منسجم است که وجود همه در آن متبلور است، اما نمی‌توان افراد را در آن تولید، از هم تفکیک نمود؛ کاری که آنقدر چکش‌کاری شده و نقادی شده، که در عین بی‌نشانی، نشان از تمام افراد تیم دارد.

### ور آینه‌وار، نیک و بد بنمائی چون آینه روی آهنین باید داشت

پی‌نوشت‌ها

1. Common Sense
2. Cooperation
3. Collaboration
4. Teamwork
5. Combined Action
6. Webster's New World Dictionary

منبع

هاوسون، جفری. (۱۹۸۶). ریاضیات و عقل سلیم. ترجمه زهرا گویا (۱۳۷۸). مجله رشد آموزش ریاضی. شماره ۵۸. صص. ۴ تا ۱۲. دفتر انتشارات کمک آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.